

قرار زیر برمی شمرد:

۱. ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم، معروف به ابوالتحف مصری که در سال ۴۱۵ق، در یکی از شهرهای فارسی به نام غنْدِجان از او حدیث شنیده است.^۵
۲. ابوعلی احمد بن یزید بن داداره،
۳. ابوالحسن احمد بن خضر مؤذن،
۴. ابوعبدالله کازارنی کاغذی،
۵. ابوالغنائم احمد بن منصور،
۶. ابوطاهر احمد بن حسین بن منصور حلاج،
۷. ابوالقاسم بندار بن حسین بن زوزان. که البته از نوشته‌های او نقل می‌کند.
۸. ابومحمد حسن بن محمد بن نصر،
۹. الاسعد ابونصر،
۱۰. قاضی ابوالحسن علی بن ودیع طبرانی.^۶

همچنین به این ده نفر، باید نام احمد بن محمد بن عبید الله، معروف به ابوعیاش جوهری (م ۴۰۱ ق) را اضافه نمود که در مواردی در کتاب خود، به شنیدن حدیث از او تصریح دارد. از این اطلاعات چنین به دست می‌آید که او در شهرهای مختلف فارسی همچون کازرون و غنْدِجان [بندگان استان فارس] ساکن بوده و از مشایخ این منطقه و مناطق همجوار، همچون اهواز بهره برده است.^۷

از آنجا که از میان کتب وی فقط عیون المعجزات در دسترس است، تنها از این راه این کتاب می‌توانیم به مقدار علمیت وی پی ببریم. از این رو، نیاز به بررسی دقیق‌تر محتوا و اسناد این کتاب احساس می‌شود.

۲. عیون المعجزات

۱ - ۲. جایگاه کتاب

چنان‌که اشاره شد، گرچه تا قرن دوازدهم هجری کمتر نشانه‌ای از این کتاب و نویسنده آن در آثار شیعی به دست می‌آید، اما از این به بعد، با کشف این اثر و تناسب آن با اخباری‌گری رایج در آن دوره و نیز هماهنگی موضوع آن با گرایش‌های کلامی این دوره درباره ائمه علیهم‌السلام، این کتاب به شدت جای خود را در میان آثار اخباریان آن زمان پیدا کرد تا جایی که کم‌کم به عنوان یکی از منابع معتبر برخی

۵. عیون المعجزات، ص ۲۴.

۶. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۲۴؛ اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۸۳.

۷. درباره ابوالغنائم گفته شده است که در اهواز می‌زیسته است (اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۸۳).

از آثار آنها درآمد و مطالب آن از منابع این دوره به منابع دوره‌های بعد راه یافته و به عنوان یکی از آثار شیعی در راه شناخت بیشتر مقامات ائمه علیهم‌السلام مورد استناد قرار گرفت؛ به عنوان مثال، در حالی که علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) نویسنده این اثر را نشناخته، آن را به عنوان یکی از مصادر کتاب بحارالانوار معرفی کرده و از آن با عنوان «کتاب لطیف» یاد کرده است.^۸

همچنین، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق)، در حالی که این کتاب را منسوب به سید مرتضی می‌داند، آن را به عنوان یکی از منابع خود در کتاب مدینه المعاجز به عنوان یکی از منابع معتبر خود معرفی کرده است.^۹

۲-۲. محتوا

شاید بتوان محتوای این کتاب را نمونه‌ای از باورهای عوامانه نهادینه شده شیعیان در قرن پنجم به شمار آورد که فرآیندی طولانی را از قرن دوم طی کرده و مراحل مختلف نظریه‌پردازی، حدیث‌سازی و بالأخره، به دست آوردن پشتوانه‌های کلامی را پشت سر گذاشته است. همان طور که از عنوان کتاب پیداست،^{۱۰} (عیون المعجزات، یعنی چشمه‌های معجزه)، این نوشته به منظور بیان معجزه‌ها و اعمال خارق العاده دوازده امام و نیز حضرت فاطمه علیها‌السلام نگاشته شده است.

انگیزه نگارش آن، طبق گفته نویسنده، مواجه شدن او با کتابی به نام تثبیت المعجزات، نوشته علی بن احمد، معروف به ابوالقاسم کوفی (م ۳۵۲ق) صاحب کتاب الاستغاثه بود که گرچه در مقدمه آن وعده داده بود که در آغاز به ذکر معجزات پیامبران پرداخته و سپس به آوردن معجزات ائمه معصوم علیهم‌السلام اقدام می‌کند، اما نتوانسته بود به وعده خود در بخش دوم، یعنی بیان معجزات ائمه علیهم‌السلام وفا کند. از این رو، حسین بن عبد الوهاب، به زعم خود، درصدد تکمیل این کاستی برآمده و کتاب عیون المعجزات را به عنوان تتمه کتاب تثبیت المعجزات نگاشت.^{۱۱} انگیزه اصلی او اثبات امامت ائمه علیهم‌السلام از راه بیان معجزات آنها بود که در اصطلاح آن زمان به آن دلائل الامامة گفته می‌شد.

از برخی از نسخه‌های خطی کتاب چنین برمی‌آید که حسین در این کتاب، به اختصار و حذف اسناد کتاب مفصل‌تر بصائر الدرجات فی تزیه النبوات اقدام کرده است که نویسنده آن نامعلوم بوده و احتمال آن که این کتاب نیز از خود وی باشد، احتمال ضعیفی نیست.^{۱۲}

اما نکته جالب، آن است که وی در مقدمه کتاب عیون المعجزات این مطلب را یادآور می‌شود که نوشته او حد وسطی میان دیدگاه‌های مرتفعه (غالیان) و مقصره است و سعی او بر آن بوده که هیچ

۸. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱.

۹. مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۴۱.

۱۰. نام‌های دیگری همچون عیون المعجزات و فنون الکرامات المتخب من بصائر الدرجات، فنون المعجزات المتخب من بصائر الدرجات و الانوار المحمدیه نیز برای این نوشته ذکر شده است. ر.ک: اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۸۳.

۱۱. عیون المعجزات، ص ۷ و ۸ (مقدمه محقق).

۱۲. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۲۳؛ اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۸۳.

روایتی را که ناقل آن تنها افراد یکی از دو دسته باشند، نقل نکند. همچنین، متذکر می‌شود که در کتاب دیگرش، به نام الهدایة الی الحق، روایاتی را که در حقایق توحید خداوند و عدل و حکمت است آورده که ظاهراً در تقابل با دیدگاه‌های غالیان و باطنیه است.^{۱۳}

به هر حال، در این کتاب، نویسنده بدون آن‌که عنوان و شماره‌بندی کند، به ترتیب، در بخش‌های دوازده‌گانه به ذکر معجزات معصومان سیزده‌گانه (دوازده امام و حضرت فاطمه علیها السلام) پرداخته^{۱۴} و در آغاز برخی از بخش‌ها از این معجزات با عنوان دلائل امامت آن امام و براهین آن یاد کرده است که نمایانگر نوع تلقی بخشی از جامعه شیعه در آن زمان در راه اثبات امامت ائمه است.

نویسنده سعی کرده تا در بیشتر مواردی با ذکر سلسله اسناد و یا ذکر انتهای سند، به نقل معجزه از زبان اصحاب معصومان علیهم السلام بپردازد و در این زمینه، گرچه می‌توان روایات فراوانی از این کتاب را در نوشته‌های پیشینیان او، همچون نوشته‌های صفار، عبدالله بن جعفر، حمیری و محمد بن همام اسکافی یافت، اما در مسیر تاریخی این بحث، با کمال تعجب به گزارش‌هایی برخورد می‌کنیم که برای اولین بار در آثار موجود شیعیان یافت شده است که البته نمی‌توان به صورت قطعی نویسنده را خالق آنها دانست، بلکه احتمال معقول‌تر آن است که آنها را بخشی از آثار موجود در میان شیعیان بدانیم که از سوی پیشینیان به علل مختلف پالایش شده و در کتب آنها نیامده است؛ اما نویسنده - که آنها را برای مقصود خود بسیار مناسب دیده و در قید و بند نقادی نبوده - به بیان آنها پرداخته است. شاید به همین علت، یعنی رسوخ روایات عجیب و غریب و منافی با برخی از آموزه‌های رایج آن در محافل کلامی و اعتقادی شیعه بوده که این نوشته مورد کم لطفی جامعه علمی شیعه قرار گرفته بود؛ به گونه‌ای که تا قرن دوازدهم نشانه‌ای از آن در جامعه علمی شیعه هویدا نبود و در این قرن و با رواج افکار اخباری‌گری، چنین نوشته‌هایی با نویسندگانی مجهول، قرب و منزلت پیدا کرد.

گرچه می‌توان این احتمال را معقول دانست که به سبب دوری نویسنده از مراکز علمی همچون قم و بغداد، این کتاب در اختیار آنان قرار نگرفته است تا درباره آن نظر دهند. عدم ذکر نام نویسنده در رجال نجاشی نیز می‌تواند ناشی از همین امر باشد و الا برخی از نگاشته‌های مشابه و یا تندتر از این کتاب، در این محافل، مورد توجه بیشتر قرار گرفته‌اند.

اگر بخواهیم در مجموع، مشخصات چنین نوشته‌هایی را برشماریم، می‌توانیم از ویژگی‌هایی همچون پرورش داستان‌ها به شکل عامیانه، استفاده از سبک داستان سرایی، متمایل شدن به سمت الوهیت ائمه علیهم السلام، ساختن اصحاب خیالی برای ائمه علیهم السلام، آوردن اسامی عجیب و غریب و نامأنوس برای قهرمانان داستان‌ها، به کاربردن ادبیات غیر مؤدبانه و توهین‌آمیز و انتساب آن به امام معصوم علیه السلام، وجود تناقضات درونی در برخی از روایات، به کار بردن اعداد و ارقام غلوآمیز مورد علاقه عوام، سعی

۱۳. اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۸۳.

۱۴. امام حسن و امام حسین علیهم السلام را در یک باب آورده است.

در تأیید امامت ائمه علیهم السلام با استفاده از همه عناصر عالم تکوین همچون خورشید، ماه، سنگ و درخت و به هم ریختن تمامی مرزهای علوم طبیعی و بی‌خاصیت کردن تمامی قوانین طبیعت در این راه و بالاخره، استفاده از راویان مخالف ائمه علیهم السلام برای هر چه بیشتر جلوه دادن داستان‌های ساختگی در نظر عوام، یاد کنیم.

این اوصاف است که این کتاب را تا قرن پنجم هجری در اوج و قله نوشته‌های این چینی، با استفاده از روش فرا تاریخی و ساختن معجزات و انتساب آن به ائمه مختلف برای اثبات امامت ائمه علیهم السلام نزد عوام قرار می‌دهد.

البته منصفانه باید این نکته را متذکر شویم که حتی در نوشته‌های این چینی - که با رویکردی افراطی و عوامانه نگارش یافته - موارد و روایات فراوانی را می‌توان یافت که نسبتاً معقول و پذیرفتنی می‌نماید و از آنها می‌توان در بازسازی صحیح سیره امامان علیهم السلام بهره گرفت؛ همچنان که در موارد فراوانی - که عمدتاً مربوط به پس از امام علی علیه السلام است - می‌توان نکات تاریخی پذیرفتنی را پیدا کرد، بویژه با توجه به آن که روش نویسنده درباره معصومان پس از امام علی علیه السلام آن است که در آغاز، به صورت بسیار مختصر به ذکر تاریخچه‌ای مشتمل بر کیفیت تولد و زمان، مدت عمر و وفات و کیفیت و نیز محل دفن معصومان اقدام می‌کند.

به عنوان مثال، توجه به این نکته جالب است که گزارش او از وفات امامانی همچون امام سجاده علیه السلام،^{۱۵} امام باقر علیه السلام،^{۱۶} امام صادق علیه السلام،^{۱۷} امام هادی علیه السلام،^{۱۸} و امام حسن عسکری علیه السلام،^{۱۹} به گونه‌ای است که مرگ طبیعی آنها را به ذهن متبادر می‌سازد؛ همچنان که به صورت مفصل، روایات کیفیت شهادت امامانی چون امام حسن،^{۲۰} امام کاظم علیه السلام،^{۲۱} امام رضا علیه السلام،^{۲۲} و امام جواد علیه السلام،^{۲۳} را ذکر کرده است.

همچنین، توجه به این نکته جالب است که نویسنده، طبق روایتی - که از آن با لفظ «روی» یاد کرده - این نکته را متذکر می‌شود که طبق برخی از نقل‌ها مدفن امام حسن علیه السلام در کنار مادرش فاطمه علیه السلام است.^{۲۴} وی بدین ترتیب، مجهول بودن قبر آن حضرت علیه السلام را زیر سؤال می‌برد.

۱۵. همان، ص ۸۳-۸۵.

۱۶. همان، ص ۷.

۱۷. همان، ص ۷۹.

۱۸. همان، ص ۸۷.

۱۹. همان، ص ۱۲۱.

۲۰. همان، ص ۶۲ و ۶۳.

۲۱. همان، ص ۹۸.

۲۲. همان، ص ۱۰۳.

۲۳. همان، ص ۱۱۶.

۲۴. همان، ص ۶۴.

تلاش برمکیان برای بدبین ساختن نسبت به امام رضا^ع و منقرض شدن آنها به دعای آن حضرت^ع به جهت اعمال قبلی آنها،^{۲۵} از دیگر نکات تاریخی جالب توجه در این کتاب است. از مهم‌ترین نکات مبهم در این کتاب، آن است که در میان وکلای امام زمان(عج) فقط از وکیل اول نام می‌برد^{۲۶} و هیچ‌گونه اشاره‌ای به دیگر وکلا ندارد.

۳. اسناد و منابع

۱ - ۳. اسناد

گرچه، چنان که اشاره شد، طبق مقدمه برخی از نسخه‌های خطی کتاب، نویسنده قصد حذف اسناد روایات و اختصارسازی کتاب بصائر الدرجات فی تزیه النبوات را داشته است، اما در موارد فراوان، بویژه در بخش مربوط به امام علی^ع، شاهد نقل روایات همراه با اسناد آن هستیم. این نکته، علاوه بر این که ما را در شناخت چگونگی اسناد این کتاب یاری می‌کند، می‌تواند شناخت اجمالی درباره اسناد کتاب بصائر الدرجات را - که هم اکنون مفقود بوده و نویسنده به آن اسناد فراوانی دارد - در اختیار پژوهشگر قرار دهد. مهم‌ترین نکته درباره اسناد نویسنده، مشایخ بی واسطه او هستند که در آغاز به ذکر نام یازده تن از آنها پرداختیم.

از میان این مشایخ، مشهورترین آنها احمد بن محمد بن عبدالله بن عیاش جوهری (م ۴۰۱ق) است که در کتب رجالی از پدر و جدش به عنوان بزرگان بغداد یاد شده است.^{۲۷} بیشترین اطلاعات درباره این شخصیت را می‌توانیم از نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ق) به دست آوریم که احمد را به عنوان دوست خود و پدرش معرفی کرده و با عباراتی همچون «کان من اهل العلم والادب القوی، طیب الشعر وحسن الخط» او را ستوده است. نجاشی، ضمن برشمردن کتب مختلف او، این نکته را یادآور می‌شود که «او احادیث بسیاری در حفظ داشت که من نیز از او احادیث فراوان شنیدم».

اما پس از این همه، یادآور می‌شود که او «در پایان عمرش دچار اضطراب^{۲۸} شد و من شیوخ امامیه را می‌دیدم که او را تضعیف می‌کنند از این رو، من [با آن که احادیث فراوانی از او شنیده بودم] از ذکر روایاتی که از او شنیده‌ام، اجتناب می‌کنم».^{۲۹}

۲۵. همان، ص ۹۹ و ۱۰۰.

۲۶. همان، ص ۱۳۰، (ان کتبه وترقیعاته [صاحب الزمان (عج)] کانت تخرج علی ید ابی عمر وعثمان العمری الی الشیعة بالعراق مدة).

۲۷. رجال النجاشی، ص ۸۵ و ۸۶؛ الفهرست، ص ۷۹ و ۸۰ و نیز ر.ک: جامع الرواة، ج ۱، ص ۶۸؛ مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، مقدمه لطف الله صافی.

۲۸. عبارت شیخ طوسی در الفهرست، (ص ۷۹) «اختلف» است که احتمالاً اشاره به اختلال حواس و نه انحراف فکری باشد.

۲۹. رجال النجاشی، ص ۸۵ و ۸۶، عبارات وی چنین است: «کان سمع الحدیث واكثر واضطرب فی آخر عمره... وسمعت منه شیئاً».

گذشته از جوهری، متأسفانه عمده مشایخ دیگر مؤلف مجهول بوده و در کتب رجال و تراجم، حتی به اندازه یک سطر، اطلاعاتی درباره آنها وجود ندارد.

ناشناخته بودن این مشایخ، به گونه‌ای است که در برخی از نوشته‌ها، تنها اطلاعی که درباره برخی از آنها همانند «الاسعد ابونصر» ارائه شده، آن است که وی از مشایخ حسین بن عبدالوهاب بوده است.^{۳۰} از میان این مشایخ، بجز ابوعیاش جوهری، بیشترین اطلاعات درباره ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم بن حسن بن طیب مصری، معروف به ابوالتحف (یا ابوالتحف)^{۳۱} مصری است که اطلاعات ارائه شده، شامل ذکر نام تنی چند از استادان وی و نیز برشمردن سید مرتضی و سید رضی در شمار شاگردانش است. و این در حالی است که مذهب او، یعنی امامی بودنش، از سوی شرح حال نویسان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد که با عبارت «الظاهر انه من الخاصة»، این ابهام خود را ابراز کرده‌اند.^{۳۲}

به نظر می‌رسد این ناشناخته بودن نویسنده و مشایخش، با توجه به محل سکونت وی، یعنی فارس - که در آن زمان از مراکز علمی تشیع نبوده است - به خوبی قابل توجیه باشد، بویژه با توجه به آن که از نوشته نویسنده چنین برمی‌آید که مسافرتی به مراکز علمی آن زمان تشیع، همانند کوفه، بغداد، قم و ری نداشته است.

نکته جالبی که در این زمینه می‌توانیم به آن اشاره کنیم، آن است که انتشار چنین نوشته‌هایی در محیطی غیر شیعی، این فرضیه را تأیید می‌کند که قشر نه چندان دانشمند شیعه، با استفاده از این گونه معجزات عوام‌پسند، درصدد نفوذ در میان توده مردم برای جذب آنها به تشیع بوده‌اند و از این رو، تقید چندانی به صحت اسناد و بهره‌گیری از اسناد معتبر و شناخته شده در محافل علمی شیعی نداشته‌اند. نیز می‌توانیم فراوانی نام‌های علمای اهل سنت در آغاز برخی از اسناد و نیز در لابه‌لای آنها را شاهد بیاوریم که این گونه نام‌ها بیشتر در بخش‌های اولیه، بویژه بخش مربوط به امام علی علیه السلام وجود داشته و می‌توانسته گام اولیه و محکمی برای جذب توده مردم به ولایت و امامت آن حضرت علیه السلام تلقی شود. وجود افراد متهم به غلو، همچون ابوسمینه محمد بن علی صیرفی،^{۳۳} یونس بن ظبیان^{۳۴} و داود بن کثیر رقی^{۳۵} در لابه‌لای برخی از اسناد، از دیگر نکات جالب توجه است.

همچنین باید این نکته را متذکر شد که علاوه بر وجود افراد فراوان مجهول در میان اسناد، حتی

﴿ کثیراً و رأیت شیوخنا یضعفونه فلم اروعنه شیئاً و تجنبتہ.﴾

۳۰. اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۲۷.

۳۱. همان، ص ۳۰۹.

۳۲. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۲۴؛ اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۳۱۶.

۳۳. ابن عیون المعجزات عبد الوهاب، ص ۱۳.

۳۴. همان، ص ۸۰.

۳۵. همان، ص ۸۵.

در بخش انتهایی سند، یعنی ناقل مستقیم گزارش، به مواردی برخورد کنیم که چه از نظر رجالی و چه از جهت تاریخی، افراد ناشناخته‌ای هستند که از آن جمله می‌توانیم از افرادی همچون محمد بن اسقنطری - که به عنوان یکی از یاران نزدیک منصور که از دوستان امام صادق علیه السلام بوده، معرفی شده است - ^{۳۶} و نیز صبیح الدیلمی - که به عنوان غلام خاص مأمون که هرثمة بن اعین از او روایت نقل می‌کند، معرفی شده است - ^{۳۷} نام ببریم.

حذف نام‌های افراد واقع در وسط اسناد - که از آن به «رفع» تعبیر می‌شود - از دیگر ویژگی‌های این کتاب است که ارزش سندی آن را کمتر کرده است؛ ^{۳۸} همچنان‌که نقل روایات با صیغه مجهول «زوی» ^{۳۹} از دیگر نقاط ضعف این نوشته است.

از دیگر نکات جالب توجه در این کتاب، طبق معمول این نوشته‌ها، نقل اندک از شخصیت‌های بزرگ اصحاب ائمه علیهم السلام همچون زرارة، برید بن معاویه، و یونس بن عبدالرحمان است؛ به گونه‌ای که در موارد بسیار اندک، به نام کسانی همچون محمد بن مسلم ^{۴۰} در روایات آن برخورد می‌کنیم. البته این احتمال نیز ابراز شده که حتی بنا بر فرض پذیرش کرامت از جانب معصومان علیهم السلام می‌توان گفت که این روش در مواجهه با عالمان و فرهیختگانی همچون زراره و محمد بن مسلم به کار گرفته نمی‌شده است؛ بلکه در برخورد با توده عوام و یا طبقات غیر فرهیخته بوده است.

۲ - ۳. منابع

از لابه‌لای نوشته‌های این اثر، چنین برمی‌آید که نویسنده به آثار فراوانی دسترسی داشته و از آنها بهره برداری می‌کرده است؛ چنان‌که خود در مواردی با عبارت «قرأت فی کتب کثیرة» ^{۴۱} این نکته را یادآور می‌شود.

همچنین از بررسی دقیق‌تر، به این نکته می‌رسیم که نویسنده به دو گونه ما را به منابع خود راهنمایی کرده است؛ بدین ترتیب که گاهی به نام منبع مورد استفاده تصریح کرده، و گاهی نام نویسنده منبع را در آغاز سند ذکر کرده و با عبارت «باستاده» به حذف اسناد او پرداخته است؛ بدون آن‌که به نام کتاب وی تصریح کند.

از موارد گونه اول می‌توانیم کتاب بصائر الدرجات را نام ببریم که نویسنده، در موارد فراوان، به عنوان منبع خود به آن اشاره کرده است. ^{۴۲}

۳۶. همان، ص ۸۳.

۳۷. همان، ص ۱۰۱.

۳۸. به عنوان مثال ر. ک: همان، ص ۱۷، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۷۲، ۷۴، ۸۱، ۸۲، ۹۲.

۳۹. به عنوان مثال ر. ک: همان، ص ۱۲، ۴۱، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۷، ۵۹، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰، ۱۳۱.

۴۰. همان، ص ۸۲ و ۸۱.

۴۱. همان، ص ۱۲۶ همچنین ص ۵۵ (و حدت هذه الحکایات فی کتاب الانوار وفی کتب کثیرة).

۴۲. به عنوان مثال: همان، ص ۶۰، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۵.

گرچه نام بصائر الدرجات، مشترک میان کتاب محتمل النسبه به او و نیز کتاب بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار است، و این گونه موارد، محتمل الطرفين است، اما با توجه به عدم ذکر عبارت «فی تنزیه النبوات» - که دنباله این کتاب اول است - و نیز با عنایت به این که کل کتاب عیون، مختصر یافته بصائر الدرجات فی تنزیه النبوات است و در چنین مواردی معمول، آن نیست که فقط در برخی از موارد به نام آن اشاره کنند و نیز با توجه به تطبیق برخی از موارد یاد شده با روایات موجود در بصائر الدرجات صفار^{۴۳} می توان احتمال دوم را بیشتر تقویت کرد.

کتاب الکافی محمد بن یعقوب کلینی از دیگر کتبی است که نویسنده در یک مورد از آن استفاده کرده و به نام آن تصریح می کند.^{۴۴} هم چنین از کتاب الانساب قریش، تألیف ابوالحسن نسابه در یک مورد و آن هم از نسخه خطی مؤلف^{۴۵} بهره برده است.^{۴۶}

کتاب الوصایا - که ابن عبد الوهاب با ظاهر تردید آمیز آن را منسوب به ابوالحسن علی بن محمد بن زیاد صیمری می کند - از دیگر منابع این نوشته است.^{۴۷}

جالب آن است که در کتابشناسی های معاصر، درباره این کتاب اطلاعاتی به جز مطلب فوق الذکر ارائه نشده است.^{۴۸}

کتاب الانوار از منابعی است که نویسنده، مطالب بیشتری را از آن نقل می کند.^{۴۹} نظر برخی از معاصران این است که این کتاب، همان کتاب الانوار فی تاریخ الائمه الاطهار ابوعلی محمد بن ابی بکر همام بن سهیل (۲۵۸ - ۳۳۶ ق) است؛^{۵۰} اما به نظر می رسد، با توجه به نوع مطالب نقل شده - که عمدتاً مطالب عجیب و غریب و غیر پذیرفتنی است و نیز با عنایت به شخصیت وزین محمد بن همام^{۵۱} و نیز با لحاظ مطالب موجود در کتاب منتخب الانوار او - که هم اکنون در دسترس است -^{۵۲} نمی توان این کتاب را از ابن همام دانست و مناسب تر آن است که آن را همان کتاب الانوار محمد بن علی شلمغانی^{۵۳} بدانیم، بویژه آن که مطالب نقل شده با نوع شخصیت شلمغانی^{۵۴} سازگارتر است.

۴۳. به عنوان مثال: قس عیون المعجزات، ص ۷۹ با بصائر الدرجات، ص ۱۱۶.

۴۴. عیون المعجزات، ص ۱۱.

۴۵. همان، ص ۵۱.

۴۶. آقا بزرگ تهرانی او را صاحب المجدی فی انساب الطالبین می داند (الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۸۵).

۴۷. عیون المعجزات، ص ۹۷ و ۱۲۶.

۴۸. الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۸۳.

۴۹. عیون المعجزات، ص ۱۵ - ۲۲ - ۴۴ و ۵۷.

۵۰. الذریعة، ج ۴، ص ۳۸۵.

۵۱. به عنوان مثال، ر. ک: رجال النجاشی، ص ۳۷۹؛ الفهرست، ص ۲۱۷.

۵۲. این کتاب با تحقیق و استدراک، توسط علی رضا هزار در سال ۱۴۲۲ ق، در انتشارات دلیل ما در قم به چاپ رسیده است.

۵۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۸؛ الذریعة، ج ۲، ص ۴۹۲.

۵۴. برای اطلاع بیشتر از این شخصیت، ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۵۰؛ خاندان

از موارد گونه دوم (یعنی مواردی که مؤلف به نام کتاب تصریح نکرده و فقط به ذکر نام نویسنده و استاد او بسنده کرده است)، می‌توان از کتاب اخباری و مورخ بزرگ بصره، یعنی ابوعبدالله محمد بن زکریا، معروف به غلابی^{۵۵} یاد کرد که مؤلف در بخش حضرت فاطمه^{علیها السلام} با عبارت «فی کتاب له» روایات فراوانی را از طریق او از راویان اهل سنت نقل کرده است.^{۵۶}

به احتمال قریب به یقین، منظور از این کتاب، کتاب اخبار فاطمة و منشاها و مولدها^{۵۷} است که با توجه به مفقود شدن این کتاب، می‌توان از این طریق، به بخشی از مطالب آن دست یافت و این نکته‌ای است که بر اهمیت کتاب عیون المعجزات می‌افزاید.

حسین بن حمدان خصیبی جنبلایی (م ۳۵۸ق)، شخصیت جنجالی قرن چهارم،^{۵۸} دیگر مؤلفی است که نویسنده در یک مورد - که مربوط به ماجرای شهادت امام رضا^{علیه السلام} است - گزارش مفصلی از او نقل کرده است.^{۵۹} همین گزارش، با اختلافاتی اندک از جهت سند و متن، در کتاب الهدایة الکبری چاپ شده خصیبی موجود است.^{۶۰}

همین یک مورد، برای اثبات این نکته کافی است که کتاب خصیبی در قرن پنجم در میان جوامع عوامانه امامیه شناخته شده بوده است. این در حالی است که در میان جوامع علمی امامیه نویسنده و آثار او به علت گرایش‌های غالیانه‌اش و نیز تمایل او به شخصیت منفوری همچون محمد بن نصیر نمیری^{۶۱} مطرود شده بود و تا قرن‌ها بعد مورد بی‌توجهی کامل محافل علمی امامیه قرار داشت و احیای مجدد آن همچون بسیاری از نوشته‌های این چنینی در قرن دوازدهم و در پرتو رشد جریان اخباری‌گری و نیز توجه به کتب معجزه‌نگاری توسط شخصیت‌هایی همچون شیخ حر عاملی در اثبات الهداة و سید هاشم بحرانی در مدینه المعاجز صورت گرفت.

عبدالله بن جعفر حمیری (م پس از ۲۹۰ق) از دیگر محدثان امامی متقدم است^{۶۲} که روایات او مورد توجه مؤلف قرار گرفته و در مواردی، به صورت مستقیم، از آن نقل کرده است^{۶۳} که ظاهر در استفاده از کتب او است.

↔ نویختی، ۲۲۶-۲۲۸.

۵۵. برای اطلاع از شرح حال او، ر.ک: رجال النجاشی، ص ۵۵؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۱۴.

۵۶. عیون المعجزات، ص ۵۲-۵۷.

۵۷. رجال النجاشی، ص ۵۵.

۵۸. برای اطلاع از احوال این شخصیت، ر.ک: «حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایة الکبری»، صفری، نعمت الله، مجله طلوع، شماره ۱۶، ص ۴۶-۱۵.

۵۹. عیون المعجزات، ص ۱۰۳-۱۰۷.

۶۰. الهدایة الکبری، ص ۲۸۲-۲۸۶.

۶۱. برای اطلاع از احوال این شخصیت و جایگاهش در میان امامیه، ر.ک: کتاب الغیبة، ص ۲۴۴؛ فرق الشیعة، ص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷ و ۳۶۸.

۶۲. رجال النجاشی، ص ۲۱۹؛ الفهرست، ص ۱۶۸؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۷۸.

۶۳. به عنوان مثال: عیون المعجزات، ص ۱۱۸ و ۱۲۲.

به نظر می‌رسد با توجه به تناسب موضوع، مطالب نقل شده از کتاب الدلائل^{۶۴} اوست که از نخستین آثار نوشته شده در دلایل انگاری از سوی امامیه به شمار می‌رود. در پایان این بحث، مناسب است به این نکته اشاره شود که در این کتاب نشانه‌ای از آثار دانشمندانی همچون شیخ صدوق، محمد بن ابی زینب نعمانی، و شیخ مفید نیست که این می‌تواند ناشی از اطلاع اندک نویسنده و یا عدم توجه او به آثار معتدل‌تر دانشمندان امامی مکتب قم و بغداد باشد.

کتابنامه

- اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، محمد بن حسن حر عاملی، تعلیق: ابوطالب تجلیل تبریزی، قم: مکتبه المحلاتی، ۱۳۸۳ ش.
- اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، تحقیق: سید حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ (قطع رحلی).
- بخارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ ق.
- بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد علیهم السلام، محمد بن حسن صفار، تصحیح: میرزا حسن کوجه‌باغی، تهران: مؤسسة الاعلمی، دوم، ۱۳۷۴.
- «حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایة الکبری»، نعمت‌الله صفری، مجله طلوع، ش ۱۶.
- جامع الزوارة وازاحة الاشبهات عن الطرق والاسناد، محمد بن علی اردبیلی، قم: کتابخانه آیة‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ق.
- خاندان نوبختی، عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه طهوری، سوم، ۱۳۵۷.
- الذریعة الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ تهرانی، بیروت: دارالاضواء، سوم، ۱۴۰۳ ق.
- رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ششم، ۱۴۱۸ ق.
- ریاض العلماء وریاض الفضلاء، عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق: سید احمد الحسینی، قم: مکتبه الخیام.
- عیون المعجزات، حسین ابن عبدالوهاب، قم: منشورات الشریف الرضی.
- فرق الشیعه، حسن بن موسی نوبختی، تعلیق: سید محمد صادق بحر العلوم، نجف: مکتبه الحیدریه، چهارم، ۱۳۸۸ ق.
- الفهرست، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، اول، ۱۴۱۷ ق.

- كتاب الغيبة، ابو جعفر محمد بن حسن طوسي، قم: كتابفروشي بصيري، دوم، ١٤٠٨ق.
- مدينة المعاجز الائمة الاثني عشر و دلائل الحجج على البشر، سيد هاشم بحراني، قم: مؤسسة المعارف الاسلاميه، اول، ١٤١٣ق.
- معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة سيد ابوالقاسم خويي، قم: مركز نشر آثار الشيعه، چهارم، ١٤١٠ق.
- مقتضب الاثر في النص على الائمة الاثني عشر، احمد بن محمد بن عبيدالله ابن عياش جوهرى، تحقيق: سيد هاشم رسولى محلاتى، مقدمه لطف الله صافى، قم: مكتبة طباطبايى.
- منتخب الانوار، محمد بن همام اسكافى، تحقيق: على رضا هزار، قم: انتشارات دليل ما، اول، ١٤٢٢ق.
- الهداية الكبرى، حسين بن حمدان خصيبى، [بيروت يا دمشق؟]: مؤسسة البلاغ للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٩ق.



مركز تحقيقات كميپتوير علوم اسلامى

expansion of methods. He also explains about the nature and aspects of this theory in two chapters: 1) methods used by rationalists indicating hadith reliability 2) submission to expansion of methods used for verifying the reliability of hadith.

Key words: Approaches To Verification of Hadith Reliability, Methods Used By Rationalists, Submissive Expansion, Hadith Authenticity.

Zahra sarfi

The methodology of exposition of Mullah-Saleh-Mazandarani on Osoul & Rozea of Kafi

During the second half of 11th century, since a drastic approach to saying several descriptions were written on Kafi. Evaluation their scientific position and determining understanding and bringing out underlying roles of hadith, was needed for investigation that stabilized our steps to follow this way. "The methodology of exposition of Mullah-Saleh-Mazandarani on Osoul & Rozea of Kafi" is among them.

The main principle of its credibility in this description that is mainly principled hadiths is hadith's context. An exact look on hadiths and literal consideration is of important characteristics.

It has rational – narrative description on hadiths that its rational aspect is well clarified, and has completed his description, and has made it an especial and rave description of Kafi.

Key words: expositions of Kafi Mullah-Saleh-Mazandarani The Way of Hadith Comprehension.

Mahdi Gholamali

A Chronological Review of Methods Used in Writing Hadith

Various methods used in hadith books are the result of hard work and genius of many scholars and traditionists in the past centuries.

Variety of methods has paved the way for researchers to deal with them. Many innovators in order to serve researchers and even public readers have innovated new methods different from previous writings.

The author of the present paper studies the rise and fall of methods of writing hadith in two fields of hadith scholarship (i.e. Shiite and Sunni hadith school) separately during the past centuries.

Key words: History of Hadith, Methodology, Hadith Texts, Hadith Writings.

Nematullah Safari Forushani

'Uyun al MU'jizat

Uyun al-Mu'jizat is of the works which have been written in early fifth century by some Imamite authors to prove the spiritual leadership of Imams by way of miracles.

Due to some reasons such as contents of its narrations and the personality of its unknown author, this book was not regarded as an important work by Imamite community till the twelfth century. But in this century, with the development of traditionism, this book quickly found its way through traditionists Majami' and it is seen in books such as Allama Majlisi's Bahar a-Anwar, Sheikh Hur Amili's Ithbat al-Hudat and Sayyid Hashim Bahrani's Madia al-Maajiz. No longer this book became well-known and its author was regarded as a great faqih (jurisprudent).

The author of the present paper argues that studying this book will help us to know more about the common beliefs in the fifth century regarding the Infallible Imams and some Imamite movements in regions far away from Shiite centers. Having investigated the sources and documents of this book not finding any trace of works written by the great scholars of Qom's hadith school like Shaykh Saduq and Baghdad's hadith school like Shaykh Mufid, the author concludes that in this book a new hadith school is found which is different from that of Qom's traditionist hadith school and Baghdad's rationalist one.

Key words: Uyun al-Mu'jizat, Husayn bn Abdulwahab, Miraclography.

Ibn 'Abbās is not 'Abdullāh ibn Muhammad ibn Wahb al-Dīniwarī (d. 308 A.H.), but 'Abdullāh ibn al-Mubārak al-Dīniwarī. However, he accepts Rippin's dating of the text itself and ascribing it to around late third Islamic century.

Keywords: History of Qur'ānic Interpretation; *Tafsīr Ibn 'Abbās*; *Tafsīr al- Wādih*; al-Dīniwarī, 'Abdullāh ibn al-Mubārak; Rippin, Andrew.

Saeed Zafarani Zadeh

Nu'mani 's Commentary : Recognition of It's Source and Its Author's Identity

Numani's commentary on the Holy Quran is a treatise, written in the field of Quranic sciences, from a Shiite stand point, which dates back to the early centuries of Islam. Some ascribe it to Imam Ali, peace be upon him. In this treatise, the author deals with nearly 60 issues. Such as nasikh and mansukh (abrogating and abrogated verses), Muhkam and Mutashaba (explicit and implicit verses) and some other issues as to rejecting Ditheists and Sadducees as well as determinists and paralogists. This treatise have many things in common with introduction of Ali bn Ibrahim Qumi's tafsir and a treatise written by Sa'd bn Abdullah Ash'ri, some parts of it is found in Bihar al-Anwar by Allama Majlisi. Some ambiguous aspects of this treatise such as the author's identity and its sources are investigated by the present paper.

Key words: Imamite Tafsir, Nu'mani's Tafsir, History of Tafsir, Ditheists, Sadducees, Determinists, Paralogists

Sayyed Mahmud Dashti

A Survey of Narrations Concerning the Qaylula Sleep

The present paper deals with the qaylula sleep. It aims at determining the time of qaylula sleep from hadith perspective.

While investigating the related traditions on the qaylula sleep, the author of this paper comes up with its religious preferences and benefits using cultural and lexical evidences.

Key words: Qaylula Sleep, Benefits, Narrations, Religious Preference, Time.

Parviz Rastgar

A Content Wise Analysis of a Part of Kumayl's Supplication

The great and well-known Kumayl supplication is one of the most prominent supplication of the existing famous Shiite supplications. It contains some parts of Imam Ali's spiritual supplications which is told by that Imam and written by Kumayl bn Ziyad Nakha'i.

Meanwhile this supplication has gone through the general process of relating hadith and left behind many ups and downs. It has not been immune from some impairment and is regarded in some way as a mu'allal hadith.

Investigating a part of the above mentioned supplication, the author of the present paper tries to locate the existing weaknesses in it and finally gives a solution to the related problems.

Key words: Supplication, Mu'allal Hadith, Rhythem and Meter.

Mohammad Ihsani Far Langarudi

Submissive Expansion of Methods Used by Rationalists Concerning Hadith Authenticity: A Theory

To verify the reliability of a hadith, there are several approaches: 1) rational necessity 2) pure submission 3) methods used by rationalists 4) submissive expansion of methods. Since other approaches are applicable there is no room for rational necessity approach. But unyielding and firm indication were established for two of these approaches (i.e. rational necessity pure submission). Some based their methods completely on one of these two approaches. But since there were some theoretical problems in the way of faqih (jurisprudents) and traditionists while handling different classes of hadith, it was necessary to reengineer and research for a new approach to verification of hadith reliability.

The author of this article tries to prove the theory of Submissive Expansion of Methods Used by Rationalists Concerning Hadith Authenticity. To do this he discuss these issues: a) positive reasons b) domain of submissive expansion of methods c) great benefits and results of this theory in the field of usul science and fiqh d) the rational and systematic status of submissive